

بہ نام آفرینندہ زیبائی ہا

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری



دانشکده موسیقی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته نوازندگی موسیقی ایرانی

بفش نظری :

آوانگاری و بررسی آوازهای قمرالملوک وزیری در

دستگاه سه گاه

بفش عملی :

نوازندگی تار در آواز دشتی و اصفهان

استاد راهنما :

داریوش پیرنیاکان

استاد مشاور :

محمود بالنده

نگارش و تمقیق :

هیلا فیض پور

بهمن ۱۳۹۰

تعهد نامه

اینجانب هیلا فیض پور اعلام می دارم که تمام فصل های این پایان نامه و اجزاء مربوط به آن برای اولین بار (توسط اینجانب) انجام شده است. برداشت از نوشته ها، کتب، پایان نامه ها، اسناد، مدارک و تصاویر پژوهشگران حقیقی یا حقوقی (فارسی و غیرفارسی) با ذکر مأخذ کامل و به شیوه تحقیق علمی صورت گرفته است.

بدیهی است در صورتی که خلاف موارد فوق اثبات شود مسوئلیت آن مستقیماً به عهده اینجانب خواهد بود.

تاریخ

امضاء

سپاس فراوان از :

- ۱- مهربان پدر و مادری تکرار نشدنی ، که از بدو تولد تا به امروز بهترینهای زندگیشان را نثارم کردند تا براین نقطه بایستم .
- ۲- استاد ارجمند جناب آقای داریوش پیرنیاکان ، که مرا از رهنمودهایشان در بخش نظری و عملی بهره مند ساختند .
- ۳- جناب آقای محمود بالنده ، که علاوه بر اینکه وقت خود را جهت مشاوره در اختیارم قرار دادند ، از مراحل ابتدائی امورات این پروژه تا پایان آن مرا همراه بودند .
- ۴- جناب آقای امیرحسین اسلامی ، که با ارائه ایده های متفاوت ، صمیمانه مرا در انتخاب عنوان پروژه پایانی یاری کردند .
- ۵- جناب آقای سیامک بنائی ، که منابع مطالعاتی و اطلاعات ارزشمندی را دراین راستا در اختیارم قرار دادند .
- ۶- جناب آقای شهرام توکلی ، که محبت خود را از ارائه پارتیتور تنظیمی خویش از قطعه "خوشه چین" از من دریغ نکردند .
- ۷- جناب آقای احسان ذبیحی فر ، که امکان استفاده از پارتیتور تنظیمی خود از قطعه " آتش دل " را برای من فراهم کردند .
- ۸- دوستان عزیزم خانم مریم خدابخش ، آقای مجید کولیوند ، خانم رخساره رستمی و خانم سولماز بدری ، که در لحظات دشوار ، در بخش های مختلف یاری رسان من بودند .
- ۹- همراهان مهربان و صمیمی که مرا در بخش عملی تنها نگذاشتند :

❖ مهشید خیرالدین (نوازنده سنتور)

❖ آوا ایوبی (نوازنده تارباس)

- ❖ مریم خدابخش (نوازنده عود)
- ❖ آزاده شمس (نوازنده قیچک)
- ❖ نیوشا بریمانی (نوازنده کمانچه)
- ❖ سارا رضا زاده (نوازنده تار)
- ❖ نازنین پدرثانی (نوازنده تمبک)
- ❖ هوشمند عبادی (نوازنده نی)
- ❖ علیرضا وکیلی منش (خواننده)

۱۰_ خانم عسل فرشچی ، که در طراحی و تهیه بروشور نهایت سلیقه را به خرج دادند .

پیشگفتار

نه یک پایان نامه ، که سفرنامه

قمر . شخصیتی که تأثیرآوازش چنان بود که این فصل از کتاب زندگیم را شناخت او و آثارش رقم زد و گمان کردم کند و کاو شرایط اجتماعی می تواند مجرای خوبی برای این شناخت باشد . اما گاهی تعجب ، گاهی افسوس و گاه بغضی را به همراه خود داشت که چرا نیمی از مردم ، حقشان و سهمشان از زندگی چیزی در حد تنفس بوده است ! زن ؛ زنی که انسان می سازد ، می بالاید و می آراید روزگاری حق نداشته از مراجعین به منزل خود بپرسد کیست که در این چنین به صدا در می آورد . می بایست با انگشتی در دهان سوال کند ، بی حرف اضافه . پس در این وضعیت ناهنجار ، اوئی که آواز سر می دهد انعکاس فریاد کدامین زنان است ؟ می بایست زن باشی تا عمق تحقیری را که تاریخ به تو تحمیل کرده حس کنی . تحقیری که مردان نسبت به زنان روا می دارند اگرچه مرتبط اما موضوع متفاوتی است . آری ، قمر در چنین شرایطی آواز سر داد و مردانی یاریش دادند که به زنان ، مطابق قوانین جاری نمی نگریستند : نی داوود ، وزیری ، درگاهی و صبا . اولین سوالی که مرا به این راه کشاند این بود که آیا همیشه قمر تکرار می شود یا در هنگام نیاز ، خلاء آن را حس کرده و درمی یابیم که تعداد چنین افتخاراتی اندک است ؟ علی حاتمی در فیلم کمال الملک گفت : " در میان اختران آسمان فقط چندتائی می درخشند ؛ باقی سوسو می زنند . "

مولوی بزرگ این معنی را به شکلی دیگر بیان می کند :

از هزاران تن یکی زین صوفی اند باقیان در دولت او می زیند

در پاسخ دریافتم که انسانها آن طور می اندیشند که زندگی می کنند و محصول شرایط جامعه اند . سوال دیگری پیش آمد ! پس پیشرفت و تکامل به دست چه کسی انجام می پذیرد ؟ پاسخ آن را در رابطه ی ما بین جامعه و انسان پیدا کردم و سعی نمودم جامعه را از جایگاهی بررسی کنم که به قمر نزدیک باشد . شاید از اواخر دوران حکومت قاجار ؛ چرا که قمر فریاد ستمی بود که از حاکمان به مردم روا می شد . به دنبال یافتن این ستم سر از جایی در آوردم که به نظر نمی رسید به اینجا برسم . نکاتی که بیشتر به گره شبیه بودند و درمسیربه آنها برخوردم ، بتدریج از حد چند نکته فراتر رفت و ابتدا براین باور بودم که به راحتی به کمک محفوظاتم و نهایتا با مطالعه چند برگ درباره شرح زندگی قمر و اطرافیانش ، قابل باز شدن می باشند . این نکات کوچک به سدی عظیم تبدیل شدند تا جایی که قصد تغییر موضوع به سراغم آمد . ولی بخت یاری کرد و دوستانی درچند جلسه آمیخته با

مهربانی که دانش و تجربه ، چاشنی آن بود افق دیگری را نشانم دادند . اگرچه ماحصل همه اینها به شکل پایان نامه درآمد اما مسیری درمقابلم قرار گرفت که ایستگاههای مختلفی داشت و درهرایستگاهی نکته ای . بنگرید که به غیراز پایان نامه که ملاک قضاوت شماست چه ها نصیبم شده :

- پژوهش درباب هر موضوعی را می بایست جدی گرفت .
 - درکنار هدف اصلی اگر به اطلاعات حاشیه ای که ناگزیر به دست می آیند توجه بیشتری شود ، علاوه بر افزایش اطلاعات عمومی به هر موضوعی نگاه عمیق تری مبدول خواهد شد .
 - به مرور ، عوامل تاثیرگذار بیشتری را می توان تشخیص داد .
 - هراتفاق یا موجودیتی با توجه به تحولات اجتماعی بررسی شود .
- و بسیاری دیگر که توانست ابزار کار را وسعت بخشد و در نتیجه از حالت انجام وظیفه خارج شد . حال قضاوت اینکه اندک ، اندازه یا بیش از حد است با شما .

اکثر نوشته هائی که درباره ی زندگی هنرمندان به رشته ی تحریر درآمده عاری از اشاره ای هرچند مختصر به شرایط اجتماعی است . نکاتی که به اجمال ذکر آنها خواهد رفت مشخصات نوشته هائی است که به منظور نگارش پروژه ی پایانی خود به آنها برخورده ام و سعی براین داشتم دچار چنین لغزشی از این دست نگردم و در کنار چنین کوششی پیام رسان این باشم که اگر قمر و قمرها خوب خواندند ، دل سپردن به هنر ، دلیل این شیدائی بود که اگرچه لازم بود اما برای آنها کافی نبود . امثال قمر توانستند نیاز زمان را درک کنند ، خود را از مردم جدا ندانسته و پیوندشان را روز به روز با آنها عمق بخشند .

نگارنده براین ادعا نیست که توانسته از این سد بگذرد و دراین نوشته به کمال نزدیک شده است . وجود کاستی هائی که قطعا از دیده ی کاوشگرانه ی شما بزرگان که راهنمایم خواهید بود پوشیده نخواهد ماند اما آنچه که پیش رو دارید توانم بود براین گردش ، نه خواسته ام .

استاد خانلری جائی گفت : " این آن است که توانستم نه آنی که می خواستم . "

چکیده مطالب

بخش نظری

قمرالملوک وزیری به عنوان سرآمد آوازه خوانی در موسیقی سنتی ایران و به عنوان یکی از مراجع آواز و تکنیکهای آوازی، در این پایان نامه، مسأله اصلی محسوب می شود که به دلیل حجم گسترده آوازهای قمر فقط آوازهایی که در دستگاه سه گاه خوانده شده نت نگاری و تجزیه تحلیل می شود. این نت نگاری و تجزیه تحلیل باعث معرفی تکنیکهای آوازی، شیوه تحریر زدن، شیوه پیوند شعر و موسیقی، شده که کمک شایانی به دانشجویان و پژوهشگران موسیقی نموده تا با سبک آوازی این استاد موسیقی آشنا شوند. در راستای بررسی تکنیک های قمر، داشتن نگاهی هر چند کوتاه به شرایط اجتماعی و تاریخی دوره ای که قمر در آن می زیسته ضروری به نظر می رسد. چرا که در دوره ی مورد نظر خوانندگان زیادی رشد کردند، بنابراین آواز از دو منظر می بایست بررسی شود: نخست شرایط اجتماعی دوم خصوصیات اخلاقی و حرکت اجتماعی قمر.

بخش عملی

این بخش از پروژه پایانی، گروه نوازی در آواز دشتی و اصفهان است که با ترکیبی از ساز های تار، سنتور، کمانچه، قیچک، نی، عود، تارباس و تمبک به همراهی خواننده به روی صحنه می رود. این اجرا شامل قطعاتی در فرم پیش درآمد، چهارمضراب، تصنیف، تکنوازی تار و جواب آواز می باشد که مدت ۳۰ تا ۴۵ دقیقه را به خود اختصاص می دهد.

- ۱- اجرای گروهی " پیش درآمد دشتی " (رضا محجوبی)
- ۲- ساز و آواز
- ۳- اجرای گروهی تصنیف " آتش دل " (مرتضی نی داوود)
- ۴- ساز و آواز و پرده گردانی به دستگاه همایون
- ۵- تکنوازی تار، چهارمضراب همایون (هیلا فیض پور)
- ۶- پرده گردانی به آواز اصفهان (ساز و آواز)
- ۷- اجرای گروهی تصنیف " خوشه چین " (روح الله خالقی)
- ۸- تکنوازی تار، چهار مضراب اصفهان (بیگجه خانی)
- ۹- ساز و آواز
- ۱۰- اجرای گروهی تصنیف " سلسله موی دوست " (شیدا)

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول : انقلاب و رابطهٔ حکومت ها با هنر و هنرمند	۵

فصل دوم : شرایط اجتماعی و فرهنگی در دوران قاجار و آغاز جنبش مشروطیت

• وضعیت موسیقی و بانوان در عهد قاجار	۱۱
• دوران ناصرالدین شاه	۱۴
• دوران مظفرالدین شاه	۱۵
• ارسالان خان ناصرهمایون	۱۶
• دسته های گلین و منور	۱۶
• احمد شاه	۱۷
• م.ص.	۱۷

فصل سوم : قمرالملوک وزیری

• سرآغاز	۱۹
• طلوع	۱۹
• آغاز کار	۲۰
• کارنامهٔ قمر	۲۱
• شخصیت قمر	۲۳
• ویژگیهای صدای قمر	۲۵
• سفر به دنیایی دیگر	۲۸

فصل چهارم : نت نگاری ، آوانگاری و تجزیه و تحلیل آوازهای قمرالملوک وزیری در دستگاه سه گاه

• جدول انطباق حروف فارسی با حروف لاتین	۳۲
• شرح علائم و نکات مورد نظر	۳۳

- درآمد اول ۳۵
- مخالف درآمد اول ۴۲
- درآمد دوم ۵۰
- مخالف درآمد دوم ۶۰
- درآمد سوم ۷۱
- مویه ۸۱
- مخالف مویه ۸۸

نتیجه گیری ۹۵

منابع و مأخذ ۹۶

نمایه ۹۸

ضمیمه : نت های بخش عملی به ترتیب اجرا

- پیش درآمد دشتی (رضا محجوبی)
- تصنیف آتش دل (مرتضی نی داوود)
- چهارمضراب همایون (هیلا فیض پور)
- تصنیف خوشه چین (روح الله خالقی)
- چهارمضراب اصفهان (غلامحسین بیگجه خانی)
- تصنیف دل شیدا (علی اکبر شیدا)

مقدمه

چيست اين راز پنهان موسيقي؟ راز مبهم زمزمه هاي مردمان را چگونه دريابيم؟ گاه اين راز، خود را در پيس آبشارها و گاه در لالايي مادران بر بالين فرزنداني با سرنوشتي نامعلوم، گاه در آواز مؤذني در مسجد، گاه بر بالين پيكر شهيدى و گاه در ميان پنجه و سيمهاي دوتارزنى پنهان مي كند.

قدر مسلم اين پيچيدگي هنوز بر كسي گشوده نشده و در عين حال هيچيك از مواليد فكر بشر، اين دانا، اين متفكر و راهگشا نتوانسته مانند موسيقي به اعماق تاريخ ذهنش راه يابد. كسي راز ارتباط اين نغمه ها را با تمنيات مجهول ما نيافته است. اما هر چه كه هست موسيقي مي تواند انسان را از محدود به نام محدود كشاند، از ماده به معنا برد، به مكنونات خاموش و تعبير ناپذير روح ما راه يابد و با آنها سخن گويد و از "خود" محدود و حقيرمان فراتر برده بر جايگهي والا بنشاند. اما از يك سوهمين نغمه ها مي توانند سرمنشاء رشد هر آنچه كه پلشتي است در وجود انسان باشند؛ قلب را سپاه و ديده را نابينا كنند. شاهد اين مدعي را كم ندیده ايم. سير در اين وادي، بي همري آشنای راه، گام نهادن در فضاي مه آلود و كوره راهي باريك و لغزان است.

نگريستن به مسير زندگي هنرمندان درباره ي كساني كه توانسته اند در وادي هنر سرزمين مادري خودشان تاثير گذار باشند با اهداف متفاوتي صورت مي پذيرد؛ به ويژه پس از اينكه هنرمندی درمي گزرد بين نويسندگان مقالات هنري رقابتي به راه مي افتد. مسابقه اي بي برنده؛ چرا كه نتيجه ي فعاليت قلم اين قوم را كسي ارزيابي نمي كند و سپرده شدن به حيطة ي فراموشي، سرنوشت اكثر اين نوشته ها است.

اين سوال پرسيدني است كه چرا خاطره ي هنرمندان در گذشته در ذهن مردم مي ماند اما درباره ي آنان، نه! آيا شرح حال يك هنرمند براي مصرف كننده ي آثارش فاقد اهميت است يا نوشته ها آنقدر جذابيت و كشش ندارند؟ در آرشيو منازل به ندرت به نوشته هاي مربوط به شرح حال هنرمندان برمي خوريم اما آثار فراواني از هنرمند مربوط به چشم مي خورد.

در كتابخانه ي شخصي كساني كه علاقمند به تحولات اجتماعي هستند در كنار كتابهاي تاريخي بخش قابل توجهي به كتابها و مقالاتي اختصاص دارد كه صرفا به شرح حال تاثير گذاران در روند سياسي و اجتماعي پرداخته شده است. اشاره به اين نكته جالب توجه است كه در منازل مردم به طور عمومي، كتاب در مقايسه با آثار موسيقي كمتر وجود دارد. آيا مي توان گفت كتابخوانها به شرح حال تاريخ سازان علاقه ي بيشتري دارند اما به طور مثال زندگي نقاشي كه آثارش به ديوار منزلي نصب

شده برای صاحبخانه چندان مهم نیست؟ نگارنده که موسیقی را در بین سایر هنرها برگزیده است و تحت تاثیر، راهنمایی و تشویق های خانواده از مطالعه ی غیرمرتبط با موسیقی غافل نشده ، در کتابخانه ی شخصی خود بیش از چند کتاب درباره ی شرح حال موسیقیدانان ندارد که فقط بخش هایی از آنها را خوانده است. در بسیاری از کتابخانه های شخصی ، نوشته های نویسندگان غربی را درباره ی موسیقیدانان خودشان مشاهده کرده اما نکته ی جالب توجه این بود که نوشته ای جامع درباره ی موسیقیدانان میهن خودمان نیافت . کتابهایی که درباره ی موسیقیدانان ایرانی به رشته ی تحریر درآمده اند بیشتر درگرامیداشت هنرمند و در اکثر موارد پس از درگذشتش به چاپ رسیده است . این کار به همت فرد یا افرادی انجام می شود ؛ بر این روند که از چند نفر که در حیطه ی موسیقی دارای جایگاه بهتری نسبت به سایرین هستند دعوت می شود مطلبی درباره ی هنرمند درگذشته بنویسند . با نگاهی اجمالی به چند شاخص برمی خوریم که در اکثر آنها مشترک است :

- ۱- این نوشته ها اکثرا از حجم کمی برخوردارند .
- ۲- از لحاظ محتوی از بار عاطفی نسبتا بالایی برخوردارند . در نتیجه پس از خواندن مقاله برای از دست دادن چنین انسانی والا به لحاظ شخصیت انسانی او و نه یک انسان هنرمند به حسرت می نشینیم .
- ۳- معمولا به تواناییهای فنی با این استدلال که برای مردم عادی یا به قولی غیراهل فن قابل فهم نیست کمتر اشاره می شود . این نگرش دو اشکال اساسی دارد : نخست اینکه اهل فن درباره ی قابلیت های فنی وی بی اطلاع می ماند ، دیگر اینکه مردم عادی ، هنر موسیقی یا هر هنر دیگری را کاری ساده می پندارند و هیچگاه در ارزیابی هایشان دانش هنرمند مورد علاقه شان را مد نظر نمی گیرند . شرح زوایای شخصیتی را مانعی نیست اما در رشد یک هنرمند ، داشتن خصائل والای انسانی یکی از عوامل است که آن نیز در مراحل پیشرفته ، خود را نشان میدهد . دانش بالا و توان تکنیکی در حقیقت ابزاری هستند برای ابراز احساسات یک هنرمند ؛ این در حالی است که خواه ناخواه شخصیت انسانی وی در معرض دید همگان قرار خواهد گرفت و راهی را برای پوشاندن آن به ویژه برای مدتی طولانی نیست .
- ۴- نحوه ی نگارش اکثر این نوشته ها بیشتر مشابه گزارش های خبری است تا اینکه درباره ی انسانی باشد که با هنرش می زیسته ؛ و در واقع قلمی که باید درباره ی هنرمند و هنرش به حرکت دربیاید خود ، از هنر عاری است .

چنین کاستی هایی را به حساب ضعف قلم و دانش کم نویسندگان آنها نباید گذاشت. این خود معلول پدیده ی دیگری است. این نویسندگان علی رغم تعداد انگشت شمارشان در شرایطی رشد و نمو کرده اند که عناوینی مانند تحقیق، پژوهش، نقد، بررسی و مانند اینها تعریف درستی ندارند. شاید نیاز به تعریف آن واژه ها چندان محسوس نبوده است؛ درحقیقت این بی نیازی هم معلول تفکری است که به میراث گذشته فقط جهت پی بردن و اثبات هویت ملی می نگرد و برای تحلیل آن به منظور راهگشای آینده ارزشی قائل نیست. درنتیجه محققین خود را به گونه ای تربیت می کنند که درتحقیقاتشان به سراغ بعضی نکات نروند.

رشد و بالندگی نگارنده نیز در همین شرایط بوده است؛ فقط اقبال بهره مند شدن از راهنمایی بزرگانی شدم که عمرشان دربین لایه های تاریخ فرهنگی و اوراق آثارگذشتگان صرف شده است و ماحصل رهنمودشان آنی بود که می بایست انجام می شد که اگر بضاعت اندک من اجازه می داد و همه ی انجام دادنی ها انجام می شد، آموخته هایم جلوه ای دیگر پیدا می کرد.

چنانچه این اصل را پذیرفته باشیم که انسانها محصول شرایط زندگی شان هستند، درمعرفی یک فرد، در نظرگرفتن شرایط اجتماعی که وی درآن رشد کرده یکی از پارامترهایی است که می بایست درتحلیل شخصیت و آثار او به شکلی قطعی و تعیین کننده درنظرگرفته شود. به طورمثال اگر درباره ی زندگی بانویی خواننده تحقیق می شود بدون توضیح موقعیت زنان درجامعه ی مذکور، بررسی ما ناقص خواهد بود.

دردوران تسلط حاکمان قاجار، شرایط زندگی زنان بسیارمحدود و تا حدزیادی تحقیرآمیزبود. به گونه ای که در روند حرکت جامعه هیچ نقشی نداشتند و پر واضح است که نمی توانستند تأثیری نیز داشته باشند. وظیفه ی آنان محدود بود به انجام امور داخلی خانه. حتی هنگامی که در منزل نواخته می شد درصورت عدم حضورآقای خانه با انگشتی دردهان پاسخگو بودند؛ چرا که صدای واقعی آنان نمی بایست شنیده می شد. علت اجتماعی و زیربنایی چنین پدیده ای را باید در نیاز جامعه به حضور زنان در عرصه ی اقتصادی و صنعتی کشور جستجو کرد. جامعه ای که تولید محدودی دارد و تکنولوژی درآن رشد چندانی نکرده با وجود همان مردان می تواند به حیات خود ادامه دهد. با رشد صنعت اجتماع به نیروی کاربیشتری نیاز پیدا می کند و دراینجا است که نیاز به نیروی کار زنان احساس می شود و طبیعتاً شعار فریبنده ای از طرف حاکمیت به نام اعطای آزادی به زنان عنوان می شود. ناگهان زنان ارزشهایی پیدا می کنند که به ظاهر ناشی از سخاوت و درایت حکمران بوده

است . ازاین رهگذر ، بررسی مسئله ی زنان بدون در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی و رشد صنعت تا حد زیادی ناممکن و ناقص خواهد بود .

انقلاب و رابطه ی حکومت ها با هنر و هنرمند

قبل از ورود به موضوع اصلی از زندگی و آثار قمرالملوک وزیری ابتدا نگاه مختصری خواهد شد به مقطع تاریخی که وی در آن می زیسته . مهمترین واقعه ی این دوره از تاریخ ، آغاز انقلاب مشروطیت است . انقلاب مشروطیت تأثیری عمیق و شگرف بر روی کلیه ابعاد جامعه ایران گذاشت . از تغییر حکومتها گرفته تا روابط شخصی افراد جامعه . موضوعی که قابل بررسی است تأثیر انقلاب مشروطه است بر هنر ملی و به خصوص موسیقی ؛ و از این منظر حضور بانوان در عرضه موسیقی بررسی خواهد شد .

در یک تعریف کوتاه و آکادمیک ، انقلاب عبارت است از :

تحولات ناگهانی و شدیدی که در اوضاع سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی روی می دهد و یک دولت مستقر (یا نظام حقوقی ، اجتماعی و اقتصادی) جای خود را به دیگری می دهد . اینگونه تحول غالبا با طغیان مردم همراه است . انقلاب به تحولات غیرسیاسی نیز اطلاق می شود ؛ اگرچه بدون خشونت و به کندی صورت گیرند و در چنین مواردی به معنای تحول کلی و اساسی است . مانند انقلاب فرهنگی ، انقلاب علمی ، انقلاب صنعتی ، ...^۱

در حرکت یک جامعه عوامل بسیار زیادی دخیل هستند . بعضی از آنها تعیین کننده اند ، بدین معنی که بدون مهیا بودن آنها هرگونه تغییری امکان پذیر نیست که در علوم اجتماعی عنوان زیربنایی دارند . عوامل دیگری نیز هستند که تنها نقش کمک کننده دارند و به شرط آمادگی عوامل زیربنایی می توانند تأثیرگذار باشند . به عنوان مثال یک سرود انقلابی در شرایطی که جامعه ای به لحاظ سیاسی در آرامش به سر می برد نمی تواند مردم را نسبت به حکومتشان معترض و بدبین کند اما همین سرود در وضعیتی که مردم در مقابل حکومت به اعتراض برخیزند می تواند نقش تهییجی و محرکی داشته باشد . شاخه های مختلف هنر بسته به کمیت مخاطبانشان ، میزان تأثیرشان بر روند حرکت جامعه و عوامل زیربنایی متفاوت است . پر واضح است که در یک جامعه ، تأثیر موسیقی بیش از سایر هنرهاست . چرا که شنیدن موسیقی در هر جایی ممکن است . اما خواندن ساده ترین کتابها ، دیدن فیلم ، نقاشی و از این قبیل به شرایط و مکان خاص نیاز دارد .

هر حکومتی با اتکاء به قدرت اقتصادی _ سیاسی و نظامی ، زمام امور کشور را به دست می گیرد و برای استمرار خود و تثبیت نظم و آرامش ناگزیر است به تحکیم پایه های حکومتی خود بپردازد و

1. آشوری ، داریوش . فرهنگ سیاسی . چاپ پنجم . ۱۳۵۱ . انتشارات : مروارید . تهران

چیزی ضامن این استحکام نیست جز سمت و سو دادن مبانی فرهنگی در جهت خواسته های حکومت . حتی برقراری مناسبات تجاری و سیاسی میان کشورهای مختلف نیز ابتدا با ایجاد روابط فرهنگی در اشکال برنامه های هنری تحقق می پذیرد . به دلیل اهمیت بین المللی و داخلی این موضوع ، جهت سازماندهی اوضاع فرهنگی و هنری ، وزارتخانه ای نیز تأسیس می شود که در حقیقت طراح اصلی برنامه های فرهنگی و هنری کشور می باشد .

اعتلا و زوال فرهنگی نیز به نوع حکومت بستگی دارد . یک حکومت ملی که بنا بر خواسته ی مردم بر سر کار باشد در جهت حفظ آثار هنری گذشتگان خواهد کوشید و هنرمندان را به ارائه ی آثار اصیل بیشتری که نشانه های جدی از هویت ملی دارند ، تشویق می کند . در مقابل ، حکومت های وابسته و دست نشانده مجبور به وارد کردن فرهنگ بیگانه در هنر و حتی زندگی شخصی مردم است و با صرف هزینه های بسیار از قبیل برگزاری جشنهای بی مناسبت ، به مرور ذهن هنرمندان و مردم را به سمتی سوق می دهد که خواسته ی کشور متخاصم است . مثال درآورد در ارتباط با موضوع این پایان نامه ، همان از بین بردن صفحه ی مارش جمهوری با صدای قمر در دوران سلطنت رضا شاه پهلوی است .

در حقیقت عملکرد رضا شاه یک برخورد خودسرانه نسبت به گرایش جمهوری خواهانه ی بخشی از مردم نیست ، بلکه در راستای خواسته های نیرویی است که استقرار حکومت جمهوری در ایران در تناقض با منافعش می باشد . این نیرو چیزی نیست جز استعمار که بعد از مدتی با تغییر روش در سلطه جوئی ، استعمار نو نام گرفت . زمانی که این پدیده وارد جامعه ای می شود پس از استقرار در مراکز نظامی و سیاسی به سراغ فرهنگ کشور مغلوب رفته و در جنبه های رشد ، آن را متوقف می نماید و تمام تلاش خود را صرف منحرف کردن آن به سمت اهداف خود می کند . بیش از پنج قرن است که این مهمان ناخوانده جز غارت و چپاول ثروت کشورهای دیگر کاری نداشته است .

در اواخر قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم میلادی سه حکومت به مسند اداره ی کشورشان نشستند که هر یک در تکوین تاریخ فرهنگ جهان نقش بسزائی داشتند . صفویه در ایران از ۱۵۰۲ تا ۱۷۳۶ ، عثمانی در ترکیه از ۱۳۰۰ تا ۱۹۴۴ و دولت گورکانیان در هندوستان از ۱۵۲۴ تا ۱۸۵۷ حکومت کردند . این حکومتها به طور مستقیم یا غیر مستقیم توسط دولت انگلستان سرنگون و جای خود را به حکومت های دست نشانده دادند . ناتوانی دولت قاجار در مقابل سیاست دولتهای روس و انگلیس در قراردادهای ترکمن چای و گلستان تجلی یافت . از این دوره به بعد است که شاهد رشد

سرمایه داری جهانی و نفوذ آن به ایران هستیم . کشورهای مصر و ترکیه نیز در مقابل این حکومت سرمایه داری جهانی سرنوشتی همانند ایران داشتند . با اینکه سرنوشت سیاسی و تاریخی سه کشور ایران ، مصر و ترکیه مسیرهای جداگانه و متفاوتی را طی کرده است و اگرچه هر یک بر مبنای مختصات خود ، یعنی مناسبات داخلی دچار تحولات تاریخی یا اجتماعی شده اند ، با این وجود نفوذ مناسبات سرمایه داری جهانی به نحوی تاثیرات مشابهی در هر سه کشور در حوزه ی فرهنگ گذاشته است .

با ورود مناسبات سرمایه داری چنانکه پیشتر ذکر آن رفت پس از تصرف قدرت سیاسی توسط نیروی نظامی ، نیروی متخصص برای حفظ خود ، اجبارا به فرهنگ سازی می پردازد . اولین ابزار فرهنگی که می بایست وارد کشور موردنظر بشود موسیقی است و طبیعتا اولین نیرویی هم که به مقابله برمی خیزد موسیقی ملی آن کشور است . این هنر بیشترین پوشش مردمی را داراست . هرکس می تواند سرود ملی کشورش را بخواند و لزوما سررشته ای از نقاشی ، معماری و سایر هنرهای وطنش نداشته باشد . ترانه های روز ورد زبانها می شود و تعداد مدعوین یک برنامه ی موسیقی به مراتب بیشتر از بازدیدکنندگان یک نمایشگاه نقاشی یا مجسمه سازی است . عنصر موسیقی در مقابل تجاوز سیاسی و فرهنگی به مثابه یکی از پدیده های هنری عکس العمل خود را در برابر شرایط موجود نشان می دهد . طبیعتا این عکس العمل به عنوان بخشی از وجدان بیدار و یا خفته ی اجتماعی در هر فرهنگی نسبت به شرایط خاص خود در آن جامعه سرچشمه می گیرد . مردم کشور استعمار زده معمولا در برابر حمله ی نظامی به دلایل مختلف نمی توانند مقاومت چندانی از خود نشان دهند . ولی به مرور راههای علنی و غیر علنی مقابله با متخاصم را می یابند . توضیح این نکته ضروری به نظر می رسد که مقابله با مردم لزوما با آنانکه که کشورش را اشغال کرده نیست ؛ بلکه با حکومتهای استبدادی خودی به مبارزه برمی خیزد . فقط در محتوا متفاوت عمل خواهد شد . به طور مثال در صورت حضور حکومت خارجی ، مضامین وطن پرستانه و ملی گرایی بیشتر مورد توجه هستند و در غیر این ، نوک حمله بیشتر بر علیه دیکتاتوری است و خواهان آزادی های مدنی و در نتیجه مضمون آثار هنری معطوف خواسته های مردم خواهد بود .

همانطور که اشاره شد موسیقی به مثابه یکی از ابزارهای مبارزاتی مردم پوشش بیشتری را به خود اختصاص می دهد و شیوه ی خاص خود را دارد . موسیقی ایرانی از آنجا که معمولا با شعر ارائه می شود دو ابزار مهم در اختیار دارد . یکی گامهای مختلف است که هر یک حالتی روحی خاصی مانند شادی ، اندوه ، جشن و سرور را در تجلیل از شخصیت های مطرح و ... به شنونده القاء می کند

. دومین ابزاری که وجود دارد شعر است و چنانچه شعری با موسیقی مناسب ترکیب شود دارای اثر بخشی بیشتری خواهد بود .

در خلال مطالعاتی که نگارنده در باب موضوع داشتم در این دوره از تاریخ به نکاتی که توجهم را به خود معطوف می داشتند بسیار برخورددم . ذکر یکی از آنها که در ارتباط با موضوع مورد بررسی است ، وجود دو خواننده ی دیگر در مصر و ترکیه است که هم دوره ی قمرالملوک بودند .

اشاره به سیر حوادث تاریخی این سه فرهنگ (ایران ، ترکیه ، مصر) در گذشته های دور و نزدیک ، نگاه ما را به آنجائی معطوف می کند که چگونه در مسیر تاریخی این سه فرهنگ کاملاً متفاوت از یکدیگر ، سه بانوی خواننده (قمرالملوک وزیری ، ام کلثوم ، صفیه آیلا) از طبقات محروم جامعه ی خود با شخصیتهایی نزدیک به هم ، آرمانها و خواسته های ملی مردم و به خصوص زنان را از حنجره ی خود سر دادند و به نحوی بازتابی از تاریخ اجتماعی _ سیاسی مردم خود را به فرهنگ جهانیان عرضه داشتند . این سه زن که از حیث رنگ صدا به یکدیگر شبیه بودند ، توانستند جایگاه سه زن شرقی را در تاریخ ملت خود چنان رقم زنند که تشابه حرکت آنها به سوی آرمانهای آزادیخواهانه و جایگاه اجتماعی ، هر پژوهشگر تاریخ را دچار حیرت می کند که چگونه انعکاس شرایط و وقایع تاریخ در سه کشور متفاوت ، در وجود این سه زن تاثیری یکسان داشته است .

به طور کلی علت وجودی پدیده های اجتماعی را می بایست در نیازهای اجتماعی و همچنین اجبار تابعیت آن جامعه از سایر جوامع جستجو کرده و همچنین این حکم ، انکار نشدنی است که تاریخ ، انسانهای روزگار خود را می سازد و یا به عبارتی انسانها محصول شرایط تاریخی و زندگی خود هستند .

در حقیقت حرکت تکاملی تاریخ ، ترکیبی است از حرکت انسانهایی که آگاهانه در جهت تغییر، گام برمی دارند و اکثریتی که اجرا کننده ی آن می باشند . در این راستا رسالت حقیقی هنر اصیل هر مملکتی نمودار می شود و آن چیزی نیست جز اینکه مَهر خود را بر تحولات ادوار مختلف تاریخی ثبت می کند .

رسالت این نوشته و نگارنده ی آن این نیست که وارد تاریخ مصر و ترکیه شود . هدف از ذکر نام این خوانندگان نشان دادن گوشه ای بود از آنچه در مقدمه به آن اشاره شد . در اینجا اشاره ای می شود به شرایط اجتماعی ایران قبل از طلوع قمرالملوک وزیری . در این قسمت تلاش براین است به نکاتی اشاره شود که نقش تعیین کننده تری در سمت گیری جامعه ایران به سمت آرمانخواهی و تدقیق مفاهیمی همچون دموکراسی و آزادی داشته است .

شرایط اجتماعی و فرهنگی در دوران قاجار و آغاز جنبش مشروطیت

روابط تجاری با کشورهای اروپایی از زمان سلسله ی صفویه ، به خصوص از زمان شاه عباس صفوی برقرار شد . ارتش شاه عباس در مقابل تجاوزات نظامی خارجیان به نحو چشمگیری ایستادگی کرد اما در مقابل نفوذ مظاهر فرهنگی تکنولوژی غرب به دلیل عدم شناخت راههای نفوذ آن ، توان مقابله نداشت . آشنائی ایرانیان با مظاهر فرهنگ اروپا از طریق سیاحان اروپائی ، مرآده های سیاسی و تجاری با دولت انگلستان و کمپانی هند شرقی همه در خدمت برقراری مناسبات فرهنگی و تجاری بودند . با فروپاشی دولت صفویه ، در نتیجه ی هرج و مرجی که در کشور ایجاد شده بود روابط ایران و اروپا رو به افول گذاشت . ضعف و ناتوانی دولت قاجار در روزگار فتحعلی شاه و تحمیل قراردادهای ترکمن چای و گلستان از جانب دولت روسیه تزاری و همچنین از بین رفتن افراد کاردان و دلسوز ، دست به دست هم داد و در مسیر رشد فرهنگی ایران تاثیرات مخربی برجای گذاشت . به هر ترتیب راه نفوذ اروپائیان به ایران گشوده شد . این نفوذ علی رغم اینکه در نهایت می بایست به نفع استعمارگران منجر می شد اما درایت تعداد معدودی از اندیشمندان و سیاست مداران کاردان توانست از برخی جنبه های این تهاجم به نفع ایران نیز بهره هائی بردارد .

ورود ماشین آلات چاپ به همت عباس میرزا ، اصلاح ارتش و تجهیز آن با سلاحهای مدرن ، اعزام محصل به خارج و تاسیس کارخانه های نساجی ، گوشه ای از این بهره برداری ها بودند . سیاستمداران ایرانی که مجذوب این پیشرفتهای شده بودند گامهای مؤثری در راه استفاده از تکنولوژی غرب برداشتند . عباس میرزا ، قائم مقام فراهانی و میرزا تقی خان امیرکبیر از زمره کسانی بودند که در این راه همت گماشتند . قتل قائم مقام فراهانی به دست محمد شاه (پدر ناصرالدین شاه) و کشتن امیر کبیر به دستور ناصرالدین شاه اهداف آنان را مدتی متوقف کرد . برخی جنبه های مثبت ایجاد روابط با دنیای غرب بدین قرارند :

- گسترش مناسبات صنعتی ایران و اروپا
- کنترل تجارت خارجی و داخلی
- تشویق صنعتگران و اعزام آنان به خارج ، جهت ارتقاء سطح دانش
- استخدام کارشناسان و معلمان اروپائی
- اعزام دانشجویان به خارج
- انتشار روزنامه و ترجمه ی کتاب

- انتظام امور ارتش که در این راستا مدرسه ی موزیک نظام نیز تاسیس شد (موسیو لومر فرانسوی یکی از اساتید همین مدرسه بود)
- تاسیس اداره ی پست و برقراری خط تلگراف
- چاپ پول کاغذی و کشیدن چند خط تلفن
- ضبط آثار نوازندگان و خوانندگان ایرانی بر روی استوانه های مومی و صفحه های سنگی

علاوه براین موارد رسومات اروپائیان نیز وارد زندگی روزمره ی مردم ایران شد و تغییرات عمده ای در وضعیت زندگی مردم ایجاد کرد . همه ی نکاتی که ذکر شد به همراه خود و ناخواسته ، از طرف زمامداران قاجار پدیده ی دیگری را وارد زندگی مردم کرد که همانا آگاهی از حقوق جامعه ی مدنی بود و این آگاهی سطح مطالبات مردم را از حکومتشان به طور محسوسی ارتقاء داد و چگونگی ایستادگی در مقابل ستم حاکمان را از اساس تغییر داد . با اینکه دنباله ی آرمانهای امیرکبیر توسط میرزا حسین خان مشیرالدوله و میرزا علی خان امین الملک (امین الدوله) و چند نفر دیگر دنبال می شد ، اما در مقابل ، اوضاع آشفته و فاسد دربار ناصرالدین شاه و همچنین قراردادهائی که عده ای از رجال خائن دربار با بیگانگان بسته بودند و بازپرداخت وامها اوضاع اقتصادی کشور را تا حد ورشکستگی سوق داده بود . قراردادهائی مانند واگذاری امتیاز خطوط تلگراف ، استخراج معادن ، بهره برداری از جنگلها ، امتیاز بانک شاهنشاهی ، امتیاز تنباکو و استخراج چاه های نفت توسط سرمایه داران انگلیسی .

درچنین شرایط بحرانی که شرایط زندگی روز به روز برای مردم دشوار تر می شد راهی جز طغیان در جهت حصول خواسته های آزادیخواهانه برای مردم باقی نماند . در این حق طلبی ها بینش های متفاوتی وجود داشت اما رشد فکری که پیش تر ذکر آن رفت همه ی مردم را به دور اساسی ترین خواسته ها جمع کرده بود . این بینش های آزادیخواهانه که عمدتا محصول رشد سرمایه داری و جنبشهای مقابله با آن در دنیای غرب بود ، مطالبات اجتماعی و حقوقی مردم ایران را به سمتی سوق داد که حصول به آنها را از طریق مجلس و برگزاری رفراندوم میسر دیدند . در نتیجه با نشر افکار و عقاید خود در اشکال کتاب و روزنامه وارد مبارزه با حاکمیت شدند . با کشته شدن ناصرالدین شاه به دست میرزا رضای کرمانی و روی کار آمدن مظفرالدین شاه که منجر به انتقام گیری و قتل عام عده ی بیشماری از آزادیخواهان شد ، مردم نه تنها از خواسته های خود چشم پوشی نکردند بلکه به شکل منسجم تری به مبارزه ی خود ادامه دادند . تا جائیکه مظفرالدین شاه در لحظات آخر عمر مجبور به امضای فرمان مشروطیت شد .